

چارسوق

بازخوانی سخنان رهبر شهید انقلاب درباره
خسارت مذاکره با آمریکا در طول دولت چهاردهم

مذاکره با آمریکا:

غیرعاقلانه
بیهوده و مهمل
غیرهوشمندانه
غیرشرافتمندانه

” — (۴۰)

در جوابیه به چارسوق؛

علت مخالفت بانک مرکزی با افزایش
مبلغ کالا برگ مشخص شد

با افزایش مبلغ کالا برگ» در تاریخ ۲۰ خردادماه ۱۴۰۵ ادعای نادرست مخالفت بانک مرکزی با افزایش مبلغ کالا برگ را مطرح کرده است. بر همین اساس و به موجب قانون مطبوعات، جوابیه بانک مرکزی برای انتشار در اولین شماره بعد از ارسال جوابیه و با همان اندازه و تیتیر در صفحه اول آن روزنامه به شرح زیر ارسال می شود.

با کمال تعجب و تأسف، شماره اخیر روزنامه «چارسوق» با تیتیر «مخالفت بانک مرکزی با افزایش مبلغ کالا برگ» و محتوای مرتبط با آن، مصداق بازار انتشار اطلاعات نادرست، تحریف واقعیت و سیاه نمایی آشکار است. این گزارش نه تنها فاقد هرگونه سند و استناد معتبر به موضع رسمی بانک مرکزی است، بلکه با نادیده گرفتن کامل توضیحات پیشین این نهاد، تصویری تحریف شده و منفی از سیاست‌های اقتصادی کشور ترسیم کرده است.

مستند به ماده ۲۳ قانون مطبوعات (الزام به انتشار توضیحات و پاسخ در یکی از دو شماره پس از وصول پاسخ و در همان صفحه و ستون انتشار اصل مطلب) و ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی (جرم‌انگاری انتشار مطالب خلاف واقع که موجب تشویش اذهان عمومی می شود)، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ضمن رد کامل ادعاهای مندرج در آن گزارش، نکات زیر را به استحضار می‌رساند:

۱. بانک مرکزی با افزایش مبلغ کالا برگ مخالفتی ندارد. این بانک همواره از سیاست‌های حمایتی دولت چهاردهم حمایت و پشتیبانی کرده و برای افزایش هوشمندانه و غیرتورمی مبلغ کالا برگ، متناسب با منابع و شرایط اقتصادی، آماده همکاری است.

۲. تأکید بانک مرکزی بر لزوم تأمین مالی غیرتورمی منابع کالا برگ است و نه «مخالفت» با افزایش مبلغ آن و این موضع ابزار مسئولیت‌پذیری کارشناسی شده است. متأسفانه روزنامه یادشده این موضع فنی را به «مخالفت» تعبیر کرده تا تصویری منفی از عملکرد بانک مرکزی و دولت ارائه دهد.

۳. لازم به ذکر است حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی مصوبه دولت بوده و بانک مرکزی در چارچوب اجرای آن، از کالا برگ به عنوان ابزاری هدفمند حمایت کرده است. ادعای «پنهان‌کاری» در گزارش چارسوق، صرفاً بخشی از سناریوی سیاه‌نمایی است که به نظر می‌رسد با هدف ایجاد نارضایتی و تشویش اذهان عمومی انجام می‌شود.

متأسفانه روزنامه «چارسوق» به جای پرداختن مسئولانه به مسائل اقتصادی و انعکاس واقعیت‌ها، با اینگونه گزارش‌های بی‌جانبه و بدون اخذ نظر رسمی، به سیاه‌نمایی روی آورده که بیش از آن که جنبه خیری داشته باشد، جنبه تبلیغاتی و تخریبی دارد.

بانک مرکزی ضمن دعوت از رسانه‌ها به رعایت اصول حرفه‌ای و پرهیز از تحریف، آماده ارائه اطلاعات دقیق و شفاف به تمام رسانه‌ها است، اما در برابر سیاه‌نمایی و انتشار مطالب خلاف واقع، از حقوق قانونی خود دفاع خواهد کرد.

اداره روابط عمومی

بانک مرکزی در جوابیه‌ای به روزنامه چارسوق علت مخالفت با افزایش مبلغ کالا برگ را توضیح داده است. بانک مرکزی موضع خود درباره افزایش مبلغ کالا برگ را موضع فنی خوانده و توضیح داده که با افزایش مبلغ کالا برگ از محل‌های تورمی، مخالف است. احتمالاً منظور بانک مرکزی این است که افزایش مبلغ کالا برگ نباید از محل افزایش پایه پولی (چاپ پول) باشد.

این در حالی است که وعده دولت از ابتدا این بود که با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و افزایش قیمت آن به محدوده نرخ ارز آزاد (بالای ۱۰۰ هزار تومان)، درآمدی کسب می‌کند و آن درآمد را بین مردم در قالب کالا برگ توزیع خواهد کرد. همچنین دولت وعده داده بود که در صورت افزایش نرخ ارز، درآمد جدید را هم بین مردم توزیع خواهد کرد. از آنجا که در ۶ ماه اخیر در دوره اجرای کالا برگ نرخ ارز بیش از ۴۰ درصد گران شده است، اکنون دولت باید به وعده خود عمل کند و مشخص نیست چرا بانک مرکزی پرداخت کالا برگ از محل افزایش پایه پولی را مطرح کرده است. طبق وعده، درآمد دولت از محل گرانی ارز افزایش یافته و باید این مازاد درآمد را به کالا برگ مردم اضافه کرد.

از سوی دیگر با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی و اجرای طرح کالا برگ توسط دولت پزشکیان، همانطور که کارشناسان دلسوز و نمایندگان مجلس هشدار داده بودند اما دولت به آن توجهی نکرد، تورم به شدت افزایش یافت و به بالاترین رقم پس از انقلاب رسید. اکنون این سوال از بانک مرکزی مطرح می‌شود که اگر با طرح‌های تورم‌زا مخالف است، چرا با حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی که شدیدترین تورم دهه‌های اخیر را به مردم تحمیل کرده، مخالفت نکرده و اتفاقاً عبدالناصر همتی، ریاست کارگروه «تضمین امنیت غذایی و بهبود معیشت مردم» را به عهده گرفت؟ این دوگانگی و تناقض را بانک مرکزی چگونه پاسخ می‌دهد؟ همچنین بانک مرکزی توضیح نداده چرا رسانه رسمی آن در یک هفته گذشته چندین گزارش در مخالفت با افزایش مبلغ کالا برگ منتشر کرده است؟

بانک مرکزی همچنین روزنامه چارسوق را به سیاه‌نمایی متهم کرده است. عجیب است، دولتی که شدیدترین تورم پس از انقلاب و حتی ۸۰ سال اخیر را به مردم تحمیل کرده، یک رسانه منتقد را به سیاه‌نمایی متهم می‌کند. این در حالی است که چارسوق صرفاً منتقد سیاست‌هایی است که در دولت چهاردهم اجرا شده و بدترین تورم ۸۰ ساله را به مردم تحمیل کرده است. آیا یک رسانه باید در شرایط شدیدترین وضعیت تورمی و کوچک شدن سفره مردم، به مجیزگویی سیاست‌های نادرستی بپردازد که این وضعیت را ایجاد کرده است؟

متن جوابیه بانک مرکزی به شرح زیر است:

مدیرمسئول محترم روزنامه چارسوق
با سلام و احترام؛

به آگاهی می‌رساند، روزنامه چارسوق در گزارشی با عنوان «مخالفت بانک مرکزی

” — (۴۳)

«فتح‌الله توسلی» نماینده مجلس شورای اسلامی
در گفت‌وگو با چارسوق بیان کرد

گرانی‌ها ارتباطی با جنگ ندارد

عملکرد وزارت جهاد کشاورزی ضعیف است | مبلغ کالا برگ باید افزایش یابد | درباره آسیب‌های جنگ رمضان
خیلی بزرگ‌نمایی شده است | گرانی خودرو و لوازم خانگی به بهانه آسیب صنایع فولاد و پتروشیمی قابل قبول نیست

گزارش

آمریکا می خواهد ایران را ببلعد

مسئله ی ما با آمریکا این است که آنها می خواهند ایران را ببلعد، ملت ایران مانع است، جمهوری اسلامی مانع است. اینها مایلند که بر ملت ایران تسلط پیدا کنند. این حرف هایی هم که رئیس جمهور آمریکا میزند – که من حالا اشاره خواهم کرد– گاهی تهدید می کند، گاهی می گوید باید فلان کار بشود، فلان کار نشود، معنایش این است که ایرانا در پی تسلط برملت ایرانند.

۲۸ بهمن/ ۱۴۰۴ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی

درباره انرژی هسته‌ای جای مذاکره نیست

می گویند بیاپید درباره ی انرژی هسته‌ای شما با هم مذاکره کنیم و نتیجه ی مذاکره بشود این که شما این انرژی را نداشته باشید! اگر واقعاً مذاکره‌ای باید انجام بگیرد – که جای مذاکره نیست – اگر بنا شد مذاکره‌ای انجام بگیرد، تعیین نتیجه ی مذاکره از قبل، یک کار غلط و ابلهانه‌ای است.
خب تو می گویی بیا با هم حرف بزیم که درباره ی فلان موضوع به توافق برسیم، چرا نتیجه را معین می کنی؟ [می گوید] «باید حتماً به این توافق برسیم!»
خب این ابلهانه است؛ این کار ابلهانه را رؤسای آمریکا و بعضی از سناتورها و رئیس جمهور و دیگران و دیگران دارند انجام می دهند.

۲۸ بهمن/ ۱۴۰۴ بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی

مذاکره با دولت آمریکا، هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی کند

در اظهارات اهل سیاست، مسئله مذاکره با آمریکا زیاد مطرح می شود؛ نظرات مختلفی هم هست. گفتم بعضی ها این را مفید می دانند، لازم می باشد بعضی‌ها مضر می دانند، بعضی‌ها نظرات میانه تری دارند؛ حرف‌ها مختلف است. من آنچه را تا حالا در این سال های متمادی فهمیده‌ام، دیده‌ام، احساس کرده‌ام و تجربه کرده‌ام، به ملت عزیزمان عرض می کنم.

خواهش می کنم مسئولین سیاسی و فعالان سیاسی هم یک قدری تأمل کنند، روی این حرف‌ها فکر کنند، تأمل کنند و قضاوت را بر اساس آگاهی و اطلاع انجام بدهند. حرف من این است که در حال حاضر با وضعیتی که وجود دارد– حالا ممکن است بیست سال دیگر، سی سال دیگر وضعیت دیگری وجود داشته باشد؛ با آن کاری نداریم – در وضع کنونی، مذاکره با دولت آمریکا، اولاً هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد، یعنی کاری است بدون سود، بدون اینکه برای کشور فایده‌ای داشته باشد، بدون اینکه ضرری را دفع کند؛ مطلقاً چنین تأثیری ندارد. این اولاً.

ثانیاً به عکس، زبان هایی هم برآن مرتب است؛ یعنی سود که ندارد هیچ، مطلب دوم این است که مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران ناپذیر هستند؛ یک چنین زیان هایی هم دارد. من حالا اینها را شرح خواهم داد.

افا اینکه می گویم به سود ما نیست، برای ما فایده‌ای ندارد، چون طرف آمریکایی پیشاپیش خودش نتیجه مذاکرات را معین کرده؛ یعنی اعلام کرده که مذاکره‌ای را قبول دارد و می خواهد مذاکره‌ای بکند که نتیجه آن مذاکره، تعطیل شدن فعالیت های هسته‌ای و غنی سازی در کشور ایران باشد؛ یعنی بنشینیم پشت میز مذاکره با آمریکا و نتیجه گفتگوهایی که با آنها خواهیم کرد، حرفی باشد که او گفته «باید انجام بگیرد»؛ این که دیگر مذاکره نیست؛ این دیکته است، این تحمیل است؛ بنشین مذاکره کن با یک طرفی که نتیجه آن مذاکره الزماً باید همان چیزی باشد که او می خواهد، همان چیزی باشد که او می گوید! این مذاکره است؟ طرف مقابل امروز این جوری حرف میزند، می گوید مذاکره کنیم و از مذاکره این دربیاید که ایران غنی سازی نداشته باشد! حالا این [فرد] غنی سازی را گفته، چند روز قبل از این، معاونش اعلان کرد که ایران باسنتی طرفش هم نداشته باشد؛ نه موشک دورترد؛ موشک میان بُرد هم نباید داشته باشد، موشک کوتاه‌برد هم نباید داشته باشد!

یعنی ایران آن چنان دستش بسته و خالی باشد که اگر چنانچه به او تعرض شد، حتی به این پایگاه آمریکایی در عراق یا در فلان جاهم نتواند جوابی بدهد و پاسخی بدهد؛ معنای این حرف این است؛ مذاکره کنیم تا این نتیجه به وجود بیاید!
خب این سود نیست؛ این مذاکره‌ای است که در آن هیچ سودی وجود ندارد و همه‌اش به ضرر ما است؛ این نتیجه مذاکره است. این مذاکره نیست؛ زورگویی است، تحفل زورگویی و تحمیل آمریکا است.
وقتی کسی با ایران اسلامی طرف است، این جور توقعات، این جور اظهارات، ناشی از شناختن ملت ایران است، ناشی از شناختن جمهوری اسلامی است، ناشی از این است که نمی داند فلسفه و مبنا و معشای ایران اسلامی چیست؛ اینها را نمی داند، این جوری حرف می زند؛ به قول ما مشهدیه‌ها «این حرف از دهن گوینده‌اش بزرگ‌تر است» و این حرفی که بیاید مذاکره کنیم برای یک چنین چیزی، قابل اعتنا نیست. پس بنا براین برای ما سود ندارد.

و افا ضرر؛ گفتم ضرر دارد. این مهم‌تر است؛ اینکه ضرر دارد، مهم‌تر است. طرف تهدید کرده که اگر مذاکره نکنید، چنین و چنان خواهد شد، بمباران می کنیم، چه می کنیم؛ از این حرف‌ها؛ یک خرده

مبهم، یک خرده صریح؛ یعنی تهدید؛ با مذاکره کنید با اگر مذاکره نکردید، چنین و چنان خواهد شد! این تهدید است.
خب قبول چنین مذاکره‌ای نشانه تهدیدپذیری ایران اسلامی است. اگر چنانچه شما با این تهدید رفتید مذاکره کردید، معنایش این است که ما در مقابل هر تهدیدی فوراً می ترسیم، می لرزیم و تسلیم طرف مقابل می شویم؛ معنایش این است. این تهدیدپذیری اگر به وجود آمد، دیگر انتها نخواهد داشت. امروز می گویند اگر چنانچه غنی سازی داشته باشید، ما چنین و چنان می کنیم؛ فردا می گویند اگر موشک داشته باشید، ما چنین و چنان می کنیم؛ بعد می گویند اگر با فلان کشور ارتباط نداشته باشید، ما چنین و چنان می کنیم؛ اگر با فلان کشور ارتباط داشته باشید، ما چنین و چنان می کنیم؛ مدام تهدید [هست] و مجبوریم که در مقابل تهدیدهای دشمن عقب نشینی کنیم؛ یعنی قبول مذاکره‌ای را که با تهدید همراه است، هیچ ملت باشرقی انجام نمی دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی کند؛ بنا براین، وضع این جوری است.

اگر چنانچه شما با طرف مقابل مذاکره کنید و آنچه را او می خواهد قبول کنید که خب، این تسلیم و ضعف کشور و نابود کردن شرف یک ملت است؛ اگر تهدید او را که با تهدید دارد با شما حرف می زند، قبول کردید، این جوری است، اگر قبول نکردید می شوید مثل حالا که باز همان دعوا و همان مسئله‌ها هست؛ بنا براین مذاکره، مذاکره درستی نیست. تجربه‌ها را فراموش نکنیم، این تجربه ده سال گذشته را فراموش نکنیم. آن که محلّ کلام ما است، آمریکا است؛ حالا فعلاً با اروپا مسئله‌ای نمی خواهم مطرح کنم.

این طرف مقابل ما در همه چیز خُلف و عده می کند، در همه چیز دروغ می گوید، فریب اعمال می کند؛ وقت و وی وقت تهدید نظامی می کند؛ اگر دستشان برسد، اشخاص را ترور می کنند، همچنان که سردار شهید ما را، شهید سلیمانی را ترور کردند؛ با مراکز هسته‌ای را بمباران می کنند؛ اگر بتوانند از این کارها می کنند. طرف یک چنین وضعیتی دارد؛ با این طرف نمی‌شود مذاکره کرد، نمی‌شود باطمینان و اعتماد نشست و حرف زد و حرف شنید و قرار گذاشت.

به نظر من مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن بست محض است؛ یعنی هیچ راه درستی وجود ندارد برای اینها، بن بست محض است. فکر کنند، ببینند. البته برای او مفید است؛ این مذاکره برای آن رئیس جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او را آوردم پای میز مذاکره نشاندیم؛ او در دنیا از این افتخارات می کند. افا برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.

۱ مهر ۱۴۰۴

حامیان مذاکره با آمریکا ظاهرین هستند

این کسانی که می گویند «آقا! شعار ندهید علیه آمریکا، عصبانی می شوند، با شما دشمنی می کنند»، اینها ظاهرینند. این کسانی که تحلیل می کنند که «چرا با آمریکا مذاکره مستقیم نمی‌کنید، مسالکتان را حل نمی‌کنید»، به نظر من ظاهرینند. باطن قضیه این نیست؛ این مسئله حل نشدنی است، او می خواهد که ایران گوش به فرمان آمریکا باشد. ملت ایران از چنین اهانت بزرگی به شدّت رنجیده می شود و در مقابل آن کسانی و آن کسی که چنین توقع غلطی از ملت ایران دارد، با همه قدرت می ایستد. جنگ اخیر هم به خاطر همین بود. رژیم صهیون را پیش کردند، تحریک کردند، رضایت نشان دادند، کمک کردند برای اینکه به ایران حمله کند و به خیال خودشان کار ایران را تمام کند، کار جمهوری اسلامی را تمام کند! اینها تصور نداشتند که ایران در مقابل حرکت آنها آن چنان مشتبی به آنها خواهد زد که آنها را بشیمان خواهد کرد؛ این تصور را نداشتند.

۱ شهریور ۱۴۰۴

بی نتیجه بودن مذاکره مستقیم با آمریکا

(درباره شهید رئیسی) این صراحت و این صداقت حتی در مذاکرات دیپلماسی هم مشهود بود و طرفی را تحت تأثیر قرار می داد. در مذاکرات دیپلماسی که جای پیچیدن حرف‌ها و پوشیدن نیت‌ها است، ایشان با صراحت، با صداقت صحبت می کرد و طرف را تحت تأثیر قرار می داد. به او اطمنان می کردند، می دانستند که آنچه می گوید درست می گوید. در زمان ریاست جمهوری، در اولین مصاحبه‌ای که کرد، خبرنگار از ایشان پرسید که آیا شما با آمریکا مذاکره می‌کنید؟ صریح و بدون هیچ ابهامی گفت: خیر؛ و نکرد. اجازه نداد که دشمن بتواند بگوید که من با تهدید، با تطمع، با حيله نواستم ایران را پای میز مذاکره بکشام؛ نگذاشت. اینکه طرف‌ها اصرار بر مذاکره مستقیم می‌کنند، به خاطر این است؛ یک بخش عمده‌اش این است؛ ایشان اجازه نداد. البته مذاکرات غیرمستقیم زمان ایشان هم بود، مثل حالا که هست؛ البته بدون نتیجه؛ حالا چه گمان نمی‌کنیم به نتیجه برسد؛ نمی‌دانیم چه خواهد شد.

صحت مذاکرات شد؛ من – بین الهالین – یک ندگری به طرف مقابل بدهم. طرف آمریکایی که در این مذاکرات غیرمستقیم وارد صحبت می‌شوند و گفتگو می‌کنند، سعی کنند یاهو گوئی نکنند. اینکه بگویند ما به ایران اجازه غنی‌سازی نمی‌دهیم، این غلط زیادی است. کسی منتظر نامه‌ای از آن نیست؛ جمهوری اسلامی سیاستی دارد، روشی دارد، سیاست خودش را تعقیب می‌کند. من البته در یک مناسبت دیگری به ملت ایران توضیح خواهم داد

بازخوانی سخنان رهبر شهید انقلاب درباره خسارت مذاکره با آمریکا در طول دولت چهاردهم

مذاکره با آمریکا:

بن بست محض پیهوده و مهمل غیرعاقلانه غیرهوشمندانه



با توجه به اصرار دولت چهاردهم بر مذاکرات با آمریکا به بهانه آتش بس و پایان جنگ و مطرح شدن حصول توافق بین دولت ایران و دولت ترامپ بر سر نحوه آتش بس، به بازخوانی سخنان رهبر شهید انقلاب اسلامی در طول فعالیت دولت پزشکیان درباره ضررهای مذاکره با دولت آمریکا پرداخته‌ایم. رهبر شهید انقلاب حتی تا آخرین سخنرانی‌هایشان قبل از شهادت توسط رژیم تروریستی آمریکا، به صراحت نسبت به هرگونه مذاکره با آمریکا هشدار می‌دادند. حضرت آیت‌الله سید علی خامنه‌ای حتی نسبت به مذاکرات به اصطلاح با هدف پایان جنگ با آمریکا هم هشدار دادند و فرمودند: «و نظری که برای صلح دارند مذاکره می‌کنند، اگر به وفای به آنچه قرارداد می‌شود مطمئن نباشند، مذاکره نمی‌کنند؛ چون می‌دانند کار پیهوده‌ای است، کار مهملی است. در مذاکره باید انسان مطمئن باشد که طرف مقابل به آنچه متعهد شد عمل خواهد کرد. وقتی می‌دانیم عمل نمی‌کند، چه مذاکره‌ای؟»

- هیچ کمکی به منافع ملی ما نمی‌کند، هیچ سودی برای ما ندارد، هیچ ضرری را هم از ما دفع نخواهد کرد
- مذاکره با آمریکا در شرایط کنونی ضررهای بزرگی برای کشور دارد که شاید بشود گفت بعضی از این ضررها جبران ناپذیر هستند
- قبول چنین مذاکره‌ای نشانه تهدید‌پذیری ایران اسلامی است
- قبول مذاکره‌ای را که با تهدید همراه است، هیچ ملت باشرقی انجام نمی‌دهد، هیچ سیاستمدار خردمندی هم آن را تصدیق نمی‌کند
- آمریکا در همه چیز خُلف و عده می‌کند، در همه چیز دروغ می‌گوید، فریب اعمال می‌کند
- به نظر من مذاکره با آمریکا برای مسئله هسته‌ای و شاید برای مسائل دیگر، بن بست محض است
- این مذاکره برای آن رئیس جمهور فعلی آمریکا مفید است؛ او سرش را بالا خواهد گرفت، خواهد گفت من ایران را تهدید کردم و او را آوردم پای میز مذاکره نشاندیم؛ او در دنیا از این افتخارات می‌کند. افا برای ما ضرر محض است و هیچ فایده‌ای برای ما ندارد.
- حامیان مذاکره با آمریکا ظاهرین هستند
- ما چند سال نشستیم مذاکره کردیم، همین شخص، مذاکره تمام شده کامل شده امضاشده را از میز بیرون انداخت و پاره کرد؛ با این آدم چه جور می‌شود مذاکره کرد؟
- دو نفری که برای صلح دارند مذاکره می‌کنند، اگر به وفای به آنچه قرارداد می‌شود مطمئن نباشند، مذاکره نمی‌کنند؛ چون می‌دانند کار پیهوده‌ای است، کار مهملی است
- دعوت به مذاکره و اظهار مذاکره فریب افکار عمومی است
- مذاکره با این دولت آمریکا رفع تحریم نخواهد کرد
- مذاکره با این دولت آمریکا گره تحریم‌ها را کورتر خواهد کرد و فشار را افزایش خواهد داد
- مذاکره هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، هیچ گرهی را باز نمی‌کند
- مذاکره با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد
- با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد؛ مذاکره کردن عاقلانه نیست، هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست

که علت اینکه اینها روی غنی سازی تکیه می‌کنند چیست و چرا این قدر طرف‌های غربی و آمریکایی و دیگران اصرار دارند که باید در ایران غنی سازی نباشد؛ این [مطلب] را ان‌شاء‌الله در یک مناسبت دیگری باز می‌کنم برای ملت ایران که بدانند نیت طرف چیست.

۱۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۴

پیهوده و مهمل بودن مذاکره با آمریکا حتی در شرایط مذاکره برای پایان جنگ

افا چند جمله در مورد این مسئله اخیر آمریکا و این دعوت به مذاکره و از این حرف‌ها. اولاً اینکه رئیس جمهور آمریکا می‌گوید ما آماده هستیم با ایران مذاکره کنیم و به مذاکره دعوت [می‌کند] و اذعامی‌کند که نامه‌ای فرستاده– که البته به ما نرسیده، یعنی به من نرسیده– به نظر من این فریب افکار عمومی دنیا است؛ این معنایش آن است که ما اهل مذاکره‌ایم، می‌خواهیم مذاکره کنیم، صلح کنیم، دعوا نباشد، ایران حاضر به مذاکره نیست. خب، ایران چرا حاضر به مذاکره نیست؟ به خودتان برگردید. ما چند سال نشستیم مذاکره کردیم، همین شخص، مذاکره تمام‌شده کامل شده امضاشده را از میز بیرون انداخت و پاره کرد؛ با این آدم چه جور می‌شود مذاکره کرد؟

در جواب این حرف من، عنصر داخلی مقاله نویسی فلان روزنامه می‌گوید «خب آقا! دو نفری که با همدیگر جنگ دارند و می‌نشینند برای صلح مذاکره می‌کنند، اینها هم به هم اعتماد ندارند؛ نداشتن اعتماد مانع مذاکره نیست»؛ این اشتباه است؛ همان دو نفری که برای صلح دارند مذاکره می‌کنند، اگر به وفای به آنچه قرارداد می‌شود مطمئن نباشند، مذاکره نمی‌کنند؛ چون می‌دانند کار پیهوده‌ای است، کار مهملی است. در مذاکره باید انسان مطمئن باشد که طرف مقابل به آنچه متعهد شد عمل خواهد کرد. وقتی می‌دانیم عمل نمی‌کند، چه مذاکره‌ای؟ بنا براین، دعوت به مذاکره و اظهار مذاکره فریب افکار عمومی است.

نکته بعدی این است که بعضی‌ها در داخل، همان مسئله مذاکره را مدام تشدید می‌کنند: «آقا! چرا جواب نمی‌دهید؟ چسرا مذاکره نمی‌کنید؟ چرا نمی‌نشینید با آمریکا؟ خب بنشینید». من می‌خواهم عرض بکنم اگر هدف از مذاکره رفع تحریم است؛ مذاکره با این دولت آمریکا رفع تحریم نخواهد کرد؛ یعنی تحریم‌ها را برنمی‌دارد، [بلکه] کره تحریم‌ها را کورتر خواهد کرد؛ فشار را افزایش خواهد داد. مذاکره با این دولت، فشار را افزایش خواهد داد. من چند روز قبل از این در صحبت مسئولین هم گفتم. مطالب جدیدی را مطرح می‌کنند، توقعات جدیدی را مطرح می‌کنند، مطالبات زیاد خواهانه جدیدی را مطرح می‌کنند؛ مشکل پیش از آنچه امروز هست خواهد بود؛ بنا براین مذاکره هیچ مشکلی را حل نمی‌کند، هیچ گرهی را باز نمی‌کند. این هم یک نکته.

۱۲ اسفند ۱۴۰۳

اسم مذاکره برای فشار به افکار عمومی است

اینکه بعضی از دولت‌های قلدر – واقعاً بنده هیچ تعبیری مناسب‌تر برای بعضی از شخصیت‌ها و رؤسای خارجی، جز همین کلمه «قلدر» سراغ ندارم– اصرار به مذاکره می‌کنند، مذاکره آنها برای حلّ مسائل نیست، برای تحکم است. می‌گویند مذاکره کنیم تا آنچه را که می‌خواهیم، بر طرف مذاکره – که آن طرف میز نشسته – تحمیل کنیم؛ اگر قبول کرد که چه بهتر، اگر قبول نکرد ججال راه بیندازیم که اینها از میز مذاکره فاصله گرفتند، از پای میز بلند شدند! این تحکم است.

مذاکره برای آت‌راهی است، مسیری است برای طرح توقعات جدید. مسئله فقط مسئله هسته‌ای نیست که حالا راجع به مسائل هسته‌ای صحبت کنند؛ توقعات جدیدی را مطرح می‌کنند که این توقعات جدید از طرف ایران قطعاً برآورده نخواهد شد؛ [مثلاً] راجع به امکان دفاعی کشور، راجع به توانایی‌های بین‌المللی کشور که فلان کار را نکند، فلان کس را نبینید، فلان جان‌نوید، فلان چیز را تولید نکند، برد موشک‌تان از آن فلان قدر بیشتر نباشد! مگر کسی می‌تواند اینها را قبول کند؟ مذاکره برای این چیزها است؛ و البته اسم مذاکره را هم تکرار می‌کنند برای اینکه حالا در افکار عمومی یک فشاری ایجاد کنند که به، [این] طرف حاضر است برای مذاکره، شما چرا حاضر نیستید؟ [این] مذاکره نیست؛ تحکم است، تحمیل است. علاوه بر جهات دیگری که حالا برای بحثش اینجا نیست و بنده هم امروز قصد ورود در این مسئله ندارم؛ حالا یک وقتی ممکن است در یک جاهایی بحث کنیم؛ لکن اجمالاً مسئله این است.

۱۸ اسفند ۱۴۰۳

دلیل بی فایده بودن مذاکره: تجربه برجام

و افا بحث مذاکره؛ چند وقت است می‌شوید در روزنامه، در فضای مجازی، در سخنان این و آن، بحث می‌شود از مذاکره دولت، خب، آنچه مورد بحث این بحث‌کنندگان است – چه در داخل، چه در خارج – مذاکره با آمریکا است. اسم مذاکره را می‌آورند که «آقا! مذاکره چیز خوبی است»، انگار کسی مخالف با خوب بودن مذاکره است! امروز وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران یکی از بُرک‌ترترین وزارتخارج‌ها است. کارش همین است دیگر؛ با کشورهای دنیا – شرقی، غربی، همه‌جور – مذاکره می‌کنند، رفت و آمد می‌کنند، حرف می‌زنند، قرارداد

می‌بندند؛ استثنائی که وجود دارد آمریکا است. البته رژیم صهیونیستی را اسم نمی‌آورم، چون دولت نیست؛ رژیم صهیونیستی یک باند جنایتکاری هستند که آمدند یک سرزمینی را غصب کردند، دارند جنایت می‌کنند؛ او محلّ کلام نیست. استثنا آمریکا است.

چرا استثنا است؟ علت چیست؟ اولاً مذاکره با آمریکا هیچ تأثیری در رفع مشکلات کشور ندارد؛ این را باید ما درست بفهمیم. اینجور به ما وانمود نکنند که اگر نشستیم پشت میز مذاکره با آن دولت، فلان مشکل یا فلان مشکل حل می‌شود؛ نخیر، از مذاکره با آمریکا هیچ مشکلی حل نمی‌شود. دلیل: تجربه. ما در دهه ۹۰ نشستیم حدود دوسال با آمریکا مذاکره کردیم – البته آمریکا تنها نبود؛ چند کشور دیگر هم بودند، لکن محور آمریکا بود، عمدتاً آمریکا بود– دولت آن روز ما نشست مذاکره کرد، رفتند، آمدند، نشستند، برخاستند، مذاکره کردند، گفتگو کردند، خندیدند، دست دادند، رفاقت کردند، همه‌کار کردند، یک معاهده‌ای هم تشکیل شد؛ در این معاهده، طرف ایرانی خیلی هم سخاوت به خرج داد، خیلی امتیاز داد به طرف مقابل، افا همان معاهده را آرکائیوی‌ها عمل نکردند؛ همین شخصی که حالا آلآن سر کار است، این معاهده را پاره کرد؛ گفت پاره می‌کنم و کرد؛ عمل نکردند.

قبل از این هم که او بیاید، همان هایی که این معاهده با آنها انجام گرفته بود به معاهده عمل نکردند؛ معاهده برای این بود که تحریم‌های آمریکا برداشته بشود، افا تحریم‌های آمریکا برداشته نشد. در مورد سازمان ملل هم یک استخوانی لای زخم گذاشتند که مثل تهدیدی همیشه بالای سر ایران وجود داشته باشد. این معاهده، محصول مذاکره‌ای است که به نظرم دو سال – یا بیشتر یا کمتر– طول کشید.
خب این تجربه است دیگر؛ از این تجربه استفاده کنیم. مذاکره کردیم، امتیاز دادیم، کوتاه آمدیم، افا نتیجه‌ای را که مقصودمان بود به دست نیاوردیم؛ همین معاهده را هم با همه این نقص هایی که داشت، طرف مقابل باز خراب کرد، نقض کرد، پاره کرد. با یک چنین دولتی مذاکره نباید کرد؛ هوشمندانه نیست، شرافتمندانه نیست.

۱۹ بهمن ۱۴۰۳

ملاحظه منافع آمریکا را نکنید

خب این کشور، این منبع عظیم راهبردی، از اواسط دهه ۱۳۲۰ شمسی یعنی از حدود هشتاد سال پیش، این منبع ثروت که ایران شما باشد، ده‌ها سال در مشّت آمریکا بود، متعلق به آمریکا بود، [در دست آمریکا بود؛ انقلاب شما آمد این را از دست آمریکا بیرون کنید؛ تلخ‌کامی آمریکا از این قضیه فراموش شدنی نیست. بعضی‌ها می‌گویند: شما که نسبت به آمریکا، نه حاضرید مذاکره کنید، نه حاضرید ارتباط برقرار کنید، [پس] چرا با کشورهای اروپایی ارتباط دارید؟ خب آنها هم مثل آمریکند، چه فرقی می‌کند؟ خب همان طور که آنها سفارت دارند، این هم داشته باشد. نه، فرق هست [بین اینها]. فرقتش این است که آمریکا اینجا تمکک کرده بود، از کف و او قبضه او بیرون کشیده شد؛ کینه او نسبت به کشور و انقلاب، کینه شتری است و به این آسانی هادست بردار نیست. این فرق می‌کند با فلان کشور اروپایی. بله، آن کشور اروپایی هم دوسبّت عزیزکرده ملت ایران نیست؛ این را ما میدانیم، بلدیم، افا این با آن خیلی فرق دارد. با انقلاب اسلامی، آمریکا یک ثروت عظیم، امکان عظیم سیاسی و اقتصادی را از دست داده، بعد هم در این چهل و چند سال جقدر خرج کرده برای اینکه بتواند مجدّاً ایران را از چنگ انقلاب اسلامی بیرون بیاورد و در اختیار خودش قرار بگیرد و نتوانسته. کینه او با جمهوری اسلامی با کینه فلان کشور دیگر فرق دارد؛ خیلی فرق دارد. علت اینکه ما بین آمریکا و دیگر کشورهای غربی تفاوت قائل می‌شویم، این است: آمریکا در ایران شکست خورده و درصدد است که این شکست را جبران کند، لذا هر جور بتواند دشمنی می‌کند. این نکته اول.

نکته دوم، یکی از خواسته‌های استکبار به طور کلی – از جمله در رأس استکبار، دولت آمریکا – از مسئولان همه کشورها، از جمله از مسئولان جمهوری اسلامی این استست که وقتی راجع به مسائل گوناگون کشور فکر می‌کنند، طرّاحی می‌کنند، نقشه‌کشی می‌کنند، یک نگاه‌ها هم به منافع آمریکا داشته باشند، ملاحظه می‌کنند؛ این درخواست آنها است. ما که خب ما به مسئولان ما تفهیم می‌کنند. در این سال‌های متعدّی ما نمونه‌های متعدّدش را دیدیم که بیایند واسطه بشوند در فلان قضیه اقتصادی، فلان قضیه فرهنگی، فلان مسئله سیاست خارجی که شما که می‌خواهید این کار را بکنید، این را تغییر بدهید، به این نحوه عمل کنید که آمریکا هم یک سودی ببرد؛ این یکی از خواسته‌های آمریکا است! من عرض می‌کنم این تهدید مردم بس‌لاری است؛ اگر مسئولان کشور ما در هر دوره‌ای به این توقع بیجای آمریکایی‌ها گوش فرابدهند، مردم‌سالاری کشور و جمهوریت کشور را تهدید کرده‌اند. چرا؟ برای خاطر اینکه مردم به ما رأی دادند، ما را سر کار آوردند، برای اینکه برای منافع آنها کار نکنیم؛ نه اینکه منافع آمریکا را مورد نظر قرار بدهیم.

۱۹ دی ۱۴۰۳



اخبار ۳

بانک‌ها فقط بلدند نرخ سود پرداختی را بالا ببرند و سرمایه‌های مردمی را از بانک‌های دولتی به سمت خودشان جذب کنند. سرمایه‌بالاتری که جذب می‌کنند را هم به نه سمت تولید بلکه به سمت بنگاه‌داری و خرید ملک می‌برند.

■ تصمیم‌گیر اصلی اقتصاد در دولت کیست؟

به عنوان نماینده مردم، خود من هم هنوز نمی‌دانم قرارگاه اقتصادی کشور دقیقاً کجاست و دولت می‌خواهد بالاخره با اقتصاد ایران چه کند. اصلاً اول یک نفر بیاید بگوید تصمیم‌گیر اصلی اقتصاد ایران کجاست. شعام، سران قوا، بانک مرکزی، مجلس یا وزارت اقتصاد کدام یک اقتصاد را راهبری می‌کنند. تا تصمیم‌گیر اصلی اقتصاد ایران پیدا نشود؛ کلاف سردرگم بانکداری هم ادامه خواهد داشت.

■ درباره پول‌های بلوکه‌شده ارقام مختلفی می‌شنویم و بخشی از مذاکرات ما با آمریکایی‌ها مربوط به همین پول‌هاست. تحلیل شما در این زمینه چیست؟

ما الان داریم با آمریکایی‌ها سر ۱۶ میلیارد دلار اموال بلوکه‌شده ایران مذاکره کنیم. این در حالی است که فقط در یک مورد، با پیگیری قوه قضائیه ۲۰ میلیارد یورو از حاصل از صادرات به کشور بازگشته‌است. ۱۰ میلیارد دیگر هم در نوبت پیگیری قوه قضائیه قرار دارد. یک فهرست ۱۰۰۰نفره گیرندگان ارز ترجیحی هم وجود دارد که مجموعاً ۱۰ میلیارد هم آن‌ها باید ارز به کشور برگردانند. یعنی ۴۰ میلیارد یورو معادل تقریبی یک سال صادرات غیرنفتی کشور فقط معطل پیگیری برای بازگشت به کشور بود. مشکلات کشور ما این‌هاست. مذاکره خوب‌است اما گاهی ما مسائل اصلی‌تر از مذاکره را رها کرده‌ایم.

■ نظر مجلس شورای اسلامی درباره افزایش مبلغ کالابرگ مردم چیست؟

نظر مجلس بر این است که مبلغ کالابرگ مردم در سال ۱۴۰۵ باید افزایش یابد اما دولت بیانه می‌آورد که منابع لازم برای این کار را ندارد. به هر حال با افزایش تورم و فشاری که گرانی‌ها به خانوار ایرانی وارد کرده دولت باید هر چه زودتر تدبیری در این زمینه انجام بیندیشد.

■ درباره آسیب‌های جنگ رمضان به اقتصاد ایران ارقام گوناگونی می‌شنویم. نظر شما چیست؟

معتمد آسیب‌های جنگ رمضان از سوی عده‌ای بیش از حد بزرگ‌نمایی می‌شود. من نمی‌دانم سختگویی محترم دولت عدد ۲۷۰ میلیارد دلار ادعای را از کجا آورده‌است. اصلاً همچنین رقم بزرگی با عقل جور در نمی‌آید. ببینید آمریکا که آن همه پایگاه‌هایش خسارت دیده و هزینه تسلیحاتش ده‌ها و صدها برابر تسلیحات ایرانی است لاک‌در این جنگ ۵۰ میلیارد دلار هزینه کرده و خسارت خورده‌است. درنتیجه باید واقع‌گرایاشیم و ارقام عجیبی نگوئیم که با عقل جور در نمی‌آید.

■ درباره بحث محاصره دریایی با توجه به سخن رئیس‌جمهور آمریکا سینی بر فلج کردن اقتصاد ایران از طریق این رویکرد محاصره‌ای، آیا مردم باید نگران باشند؟

خیلی به حرف‌های ترامپ نباید توجه کرد چراکه او دچار توهم است. این دیوانه‌فکرمی‌کند می‌تواند یک تمدن ۷ هزار ساله را یک‌شبه نابود کند. درباره بحث محاصره دریایی هم معتقدم شماره غلط انگلیسی‌ها و

صهیونیست‌ها به ترامپ است. آن‌ها به ترامپ گفته‌اند چون ایران دچار مشکلات اقتصادی است اگر راه تامین کالای این کشور را ببندی دیگر کارش تمام است و جمهوری اسلامی سقوط خواهد کرد. غافل از اینکه محیط جغرافیایی ایران اصلاً قابل محاصره نیست. ما با ۱۵ کشور دیگر همسایه هستیم. مگر کشور دیگری به این در محاصره دریایی آمریکا وحشت داشته باشیم. مردم هم خیالشان راحت باشد. ما در حال حاضر بخش عمده نیاز کشور را از طریق همسایگان و حمل‌ونقل ریلی و دریایی شمال تامین می‌کنیم.



فتح‌الله توسلی، نماینده مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با چارسوق بیان کرد

گرانی‌ها ارتباطی با جنگ ندارد

■ عملکرد وزارت جهاد کشاورزی ضعیف است ■ عملکرد بانک مرکزی افتضاح است ■ مبلغ کالابرگ باید افزایش یابد ■ درباره آسیب‌های جنگ رمضان خیلی بزرگ‌نمایی شده‌است ■ گرانی خودرو و لوازم خانگی به بهانه آسیب صنایع فولاد و پتروشیمی قابل قبول نیست

گفت‌وگو

با توجه به مشکلات اقتصادی اخیر و شرایط این روزهای کشور به گفت‌وگو با «فتح‌الله توسلی»، نماینده مجلس شورای اسلامی و عضو هیات امنای صندوق توسعه ملی پرداخته‌ایم:

■ آیا همان‌گونه که مسئولان دولتی اصرار دارند بیان کنند گرانی‌های عجیب اخیر به دلیل جنگ است؟

قطعاً عمده گرانی‌های بازار اصلاً ارتباطی با جنگ و شرایط جنگی ندارد. مثلاً در بحث فولاد و پتروشیمی نهایت تأثیری که آسیب جنگی واحدهای تولیدی می‌تواند بر بازار داشته باشد ۱۰ درصد است. اما شاهدیم برخی اقلام فولاد و پتروشیمی از ۴۰ تا ۱۵۰ درصد حتی ۲۰۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. خب قطعاً اینها منطقی و منطقی برواقمیت‌ها نیست. چراکه بر فرض چند واحد فولاد کشور برای محصولات فولاد و پتروشیمی تا ماه‌ها پراست و تانیاً اکثر واحدهای آسیب‌دیده بلافاصله بعد از ۴ هفته به خط تولید بازگشته‌اند. بنابراین اینکه برخی از جمله تعدادی از مسئولان دولتی دائماً با اشاره به شرایط جنگی به دنبال توجیه گرانی‌ها هستند را اصلاً قابل قبول نمی‌دانم و نتیجه این اقدام چیزی جز سوءاستفاده گران‌فروشان نیست.

■ لطفاً درباره بحث گرانی خودرو و لوازم خانگی در هفته‌های اخیر توضیح دهید. آیا این گرانی‌ها را منطقی می‌دانید؟

درباره بحث گرانی خودرو و لوازم خانگی به دلیل آسیب‌ب به فولاد یا پتروشیمی باید بگویم که این گرانی‌ها غیرقابل قبول است. اولاً که انبارهای خودروسازان کاملاً پر از محصولات فولاد و پتروشیمی است. ثانیاً ده‌ها هزار خودروی آماده و مونتاژشده در پارکینگ‌های خودروسازان در حاشیه اتوبان تهران-کرج پارک شده‌است. پس این دوستان به چه حقی مثلاً یک خودرو که قبلاً تولید شده را باید یک میلیارد تومان گران کنند. من که دلیلی جز سودجویی و سوءاستفاده از شرایط نمی‌بینم. درباره لوازم خانگی هم شرایط مشابه است و گرانی‌ها قابل قبول نیست

■ آیا با سیاست حذف ارز ترجیحی از سوی دولت در دی‌ماه ۱۴۰۴ موافق هستید؟

حذف ارز ترجیحی اقدامی درست و لازم بود اما انتخاب زمان و نحوه اجرای آن افتضاح بود. انصافاً دولت به مردم ظلم کرد. مثلاً در یک نمونه ده‌دها هزار تن روغن از ذخایر استراتژیک دولت را که در زمان ارز ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی ذخیره کرده بودند با قیمت جدید و بسیار بالاتر در اختیار مردم قرار دادند. یعنی جنسی که دولت با قیمت قبلی و ارزان‌تر خریده بود را به قیمت جدید و گران‌تر به مردم فروخت. اینکه عده‌ای از فرودشدگان خرد هم به گران‌فروشی روی آورده‌اند به دلیل الگوبرداری از همین رفتار وزارت جهاد کشاورزی و دولت است.

■ به وزارت جهاد کشاورزی اشاره کردید. عملکرد این وزارتخانه را در دولت چهاردهم چگونه ارزیابی می‌کنید؟

وزارت جهاد کشاورزی آن‌گونه که بایسته و شایسته بوده به وظایفش عمل نکرده‌است. حقیقتاً معاونت آب و خاک وزارت

جهاد کشاورزی ضعیف‌ترین معاونت این وزارتخانه است. یعنی فقط آب و خاک کشور بازی می‌کند و هیچ کار خاصی هم انجام نمی‌دهد. قنوات کشور از سوی این معاونت به کلی رها شده و بعضاً تا ده‌ها میلیارد تومان خسارت این رهاشدگی است. در حوزه‌های مختلف ما با چالش جدی در بخش کشاورزی کشور مواجه هستیم. سازمان منابع طبیعی هم به عنوان زیرمجموعه وزارت جهاد کشاورزی گویا کاری جز تصرف زمین کشاورزی که بعضاً ده‌ها هه را بر روی آن کار کرده و زحمت کشیده‌اند ندارد. از طرفی تفسیر عجیب وزارت جهاد کشاورزی از قانون تغییر کاربری زمین باعث شده هزاران روستای کشور دچار مشکل شوند. در بحث نحوه تامین و توزیع کالاهای اساسی مردم هم که برای همه ماروشن است وزارت جهاد کشاورزی چگونه عمل کرده‌است.

■ عملکرد بانک مرکزی در شرایط جنگ اقتصادی اخیراً چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر عملکرد بانک مرکزی افتضاح بوده‌است. نه فقط در مورد ارز، بلکه در همه زمینه‌ها ما یک عملکرد ضعیف از بانک

■ اصولاً بانکداری خصوصی چه نقشی در اقتصاد ایران دارد؟

دهه‌ها بانک خصوصی در کشور داریم که بهترین ساختمان‌ها، امکانات و رفاهیات در اختیار آن‌هاست. یک نفر بیاید بگوید دقیقاً چند پروژه را بانک‌های خصوصی در ایران اجرا کرده‌اند و اصولاً نقش این همه بانک در اقتصاد ایران دقیقاً چیست. اینها فقط روال عادی اقتصاد ایران را بر هم زده‌اند و هیچ کار مثبتی هم نمی‌کنند. مثلاً چرا بازسازی فولاد مبارکه به ۴ بانک خصوصی واگذار نمی‌شود تا اینها هم یک کار مثبتی در اقتصاد ایران انجام بدهند. این

تنش باقی بماند، هزینه بیمه، حمل‌ونقل و ریسک تجاری همچنان بالا خواهد ماند. تولیدکنندگان نفت و گاز هم باید درباره تعمیر تأسیسات آسیب‌دیده تصمیم بگیرند؛ تصمیمی پرهزینه که در صورت نبود تضمین امنیتی، با تردید همراه خواهد بود. به همین دلیل، توافقی که صرفاً مسیر عبور موقت از بحران را باز کند، برای بازسازی اعتماد فعالان اقتصادی کافی نیست. تجارت انرژی، بیمه دریایی، حمل‌ونقل کالا و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای به ثباتی نیاز دارند که از یک آتش‌بس کوتاه‌مدت فراتر برود.

تنش باقی بماند، هزینه بیمه، حمل‌ونقل و ریسک تجاری همچنان بالا خواهد ماند. تولیدکنندگان نفت و گاز محدود نمی‌شود. کردشگری، سرمایه‌گذاری، فعالیت شرکت‌ها، اشتغال نیروهای خارجی و طرح‌های توسعه‌ای در کشورهای منطقه نیز به امنیت مسیرهای تجارت و پیش‌بینی پذیری وضعیت سیاسی وابسته‌اند. در صورت تداوم آتش‌بس، بخشی از گردشگران و شرکت‌ها ممکن است به منطقه بازگردند، اما هرجومرج جدید تنش می‌تواند دوباره موجب لغو سفرها، تعویق سرمایه‌گذاری و احتیاط



■ نااطمینانی فراتر از بازار انرژی

پیامدهای اختلال در خلیج فارس فقط به نفت و گاز محدود نمی‌شود. کردشگری، سرمایه‌گذاری، فعالیت شرکت‌ها، اشتغال

نیروهای خارجی و طرح‌های توسعه‌ای در کشورهای منطقه نیز به امنیت مسیرهای تجارت و پیش‌بینی پذیری وضعیت سیاسی وابسته‌اند. در صورت تداوم آتش‌بس، بخشی از گردشگران و شرکت‌ها ممکن است به منطقه بازگردند، اما هرجومرج جدید تنش می‌تواند دوباره موجب لغو سفرها، تعویق سرمایه‌گذاری و احتیاط

اخبار ۳



رمزارزهای ترامپ؛ ماشین میلیارد دلاری سودسازی برای خانواده‌اش

ورود خانواده ترامپ به بازار رمزارزها با مجموعه‌ای از پروژه‌های پرسروصد، به یکی از بحث‌برانگیزترین نمونه‌های پیوند سیاست، برند شخصی و اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است؛ پروژه‌هایی که طبق برآوردهای مالی، در مجموع میلیاردها دلار درآمد برای ساختارهای مرتبط ایجاد کرده‌ام‌هم‌زمان زبان‌های سنگینی را به سرمایه‌گذاران خرد و نهادی تحمیل کرده و بار دیگر بحث درباره ریسک‌های توکن‌سازی مبتنی بر هیجان و نقش بردنده‌های سیاسی در بازارهای مالی را پررنگ کرده‌است.

ورود خانواده ترامپ به بازار رمزارزها در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین نمونه‌های ترکیب سیاست، برند شخصی و اقتصاد دیجیتال تبدیل شده است. در این مدل، نام و اعتبار دونالد ترامپ نقش اصلی را در جذب سرمایه ایفا کرده و عملاً به یک ابزار مالی تبدیل شده است. بر اساس برآوردهای مالی منتشرشده از عملکرد این پروژه‌ها، مجموع درآمد خانواده ترامپ از این فعالیت حدود ۲.۳ میلیارد دلار بوده، در حالی که مجموع زبان سرمایه‌گذاران نیز در همین حدود، یعنی نزدیک به ۲.۲ میلیارد دلار برآورد شده است. این تقارن ظاهری، در عمل نشان‌دهنده یک عدم توازن شدید در توزیع سود و ریسک است. چهار پروژه اصلی در این ساختار شامل World Liberty Financial، Trump AI و Moomkin TRUMP، شرکت Sigma ALT5 (با Financial) و پروژه American Bitcoin بوده‌اند. نکته مشترک در همه این پروژه‌ها این است که با هزینه اولیه نسبتاً پایین—در برخی برآوردها کمتر از ۱ میلیون دلار—توانسته‌اند سرمایه‌های بسیار بزرگی جذب کنند. این هزینه‌ها عمدتاً صرف توسعه فنی، طراحی پلتفرم و امور حقوقی شده و بخش زیادی از ارزش ایجادشده از طریق برند ترامپ و تبلیغات گسترده شکل گرفته است.

بزرگ‌ترین پروژه یعنی World Liberty Financial با فروش حدود ۳۰ میلیارد توکن حاکمیتی توانست نزدیک به ۱.۴ میلیارد دلار (۱.۶ میلیارد دلار سرمایه جذب کند. ساختار درآمدی این پروژه به‌گونه‌ای طراحی شده بود که حدود ۷۵ درصد از درآمد فروش توکن‌ها به نهادهای وابسته به خانواده ترامپ منتقل می‌شد. درنتیجه، این پروژه حدود ۹۸۷ میلیون دلار تا بیش از ۱.۴ میلیارد دلار برای این ساختار درآمد ایجاد کرد. علاوه بر آن، برخی تحلیل‌ها نشان می‌دهند که با در نظر گرفتن توکن‌های کمتر اعلام‌شده، درآمد واقعی می‌تواند حدود ۴۶۰ میلیون دلار بیشتر از برآوردهای اولیه باشد. در مقابل، سرمایه‌گذاران این پروژه با محدودیت‌های شدید در فروش توکن‌ها مواجه شدند؛ بخش بزرگی از دارایی‌ها در حدود ۲۰۳۰ دلار سقوط کرده و آزاد نماند. نتیجه این ساختار، زبانی در اصل ۶۷۴ میلیون دلار برای سرمایه‌گذاران بوده است. دومین پروژه مهم، موم‌کین TRUMP، نمونه‌ای کلاسیک از دارایی‌های مبتنی بر هیجان بازار است. این توکن در اوج فضای رسانه‌ای و سیاسی معرفی شد و با تبلیغات گسترده، رشد اولیه شدیدی را تجربه کرد. قیمت آن در مقطع اوج به حدود ۷۵.۳۵ دلار رسید اما پس از فروکش کردن هیجان بازار، تا حدود ۲۰۳۸ دلار سقوط کرده و بیش از ۸۰ درصد افت ارزش را تجربه کرده است. درمجموع، سرمایه‌گذاران برای خرید این توکن بیش از ۱.۲ میلیارد دلار پرداخت کردند اما ارزش نهایی دارایی آن‌ها به حدود ۵۲۱ میلیون دلار کاهش یافت که نشان‌دهنده بیش از ۷۰۰ میلیون دلار زیان است. در همین فرآیند، از محل فروش اولیه و معاملات بازار، حدود ۶۱۶ میلیون دلار درآمد برای ساختارهای نزدیک به خانواده ترامپ ایجاد شد.

پروژه Sigma ALT5 که بعدها به AI Financial تغییر نام داد، یکی دیگر از نمونه‌های مهم این مجموعه است. این شرکت توانست از طریق فروش سهام حدود ۷۵۰ میلیون دلار سرمایه جذب کند و بخش عمده آن را صرف خرید توکن‌های مرتبط با World Liberty Financial نمود. درنتیجه این چرخه مالی، بیش از ۵۰۰ میلیون دلار درآمد به سمت ساختارهای مرتبط با خانواده ترامپ منتقل شد. با این حال، سقوط ارزش سهام شرکت باعث شد سرمایه‌گذاران حدود ۶۷۵ میلیون دلار زیان متحمل شوند. به‌طور مشابه، قیمت سهام این شرکت از حدود ۹ دلار در اوج به حدود ۰.۷۵ دلار کاهش یافت که نشان‌دهنده یک سقوط شدید ارزش است.

چهارمین پروژه، American Bitcoin، با تمرکز بر سرمایه‌گذاری و استخراج بیت‌کوین شکل گرفت. این پروژه در ابتدا با رشد قیمت سهام و افزایش امید به سودآوری همراه بود اما با کاهش قیمت بیت‌کوین و آزادسازی محدودیت‌های فروش سهام، ارزش آن به شدت کاهش یافت. در این پروژه نیز سرمایه‌گذاران بیش از ۳۰۰ میلیون دلار زیان تجربه کردند، در حالی که دارایی‌های مرتبط با خانواده ترامپ—به‌ویژه سهام اریک ترامپ—همچنان ارزش قابل توجهی در سطح ده‌ها میلیون دلار حفظ کرده است.

جمع‌بندی این داده‌ها نشان می‌دهد که درمجموع، خانواده ترامپ با سرمایه‌گذاری مستقیم بسیار محدود، توانسته‌اند حدود ۲.۳ میلیارد دلار درآمد از اکوسیستم رمزارزی به دست آورند. در مقابل، سرمایه‌گذاران خرد و نهادی در همین پروژه‌ها مجموعاً حدود ۲.۳ میلیارد دلار زیان متحمل شده‌اند. این زبان‌ها شامل سقوط قیمت توکن‌ها، کاهش ارزش سهام و دارایی‌های قفل‌شده‌ای است که امکان نقدشوندگی آن‌ها محدود یا غیرممکن بوده است.

نکته کلیدی در این ساختار، عدم توازن میان زمان‌بندی سود و زیان است. سودها عمدتاً در مراحل اولیه و از طریق فروش مستقیم دارایی‌ها به تخصیص توکن‌ها پرداخت شده‌اند، در حالی که زیان‌ها در مراحل بعدی و پس از افت بازار به سرمایه‌گذاران منتقل شده است. این الگو باعث شده ریسک اصلی بردوش خریداران نهایی قرار گیرد، در حالی که بخش داخلی پروژه‌ها از نقدشوندگی سریع سودهای اولیه بهره‌مند شده‌اند.

درنهایت، این مجموعه پروژه‌ها نشان می‌دهد که چگونه ترکیب برند سیاسی، هیجان بازار و ساختارهای پیچیده توزیع توکن می‌تواند منجر به ایجاد جریان‌های مالی میلیارد دلاری شود؛ جراتی که در آن سودها متمرکز و سریع‌ام‌زبان‌ها گسترده و بلندمدت میان سرمایه‌گذاران توزیع می‌شود.



هفته‌ای ۵۲ ساعت برق صنایع قطع می‌شود

هفته‌ای ۵۲ ساعت برق صنایع قطع می‌شود، اما هزینه ترانزیت برق کامل ۳۰روزه از واحدهای تولیدی دریافت می‌گردد.

سید سجاد هاشمی سخنگوی شورای مرکزی صنعتگران شهرک‌های صنعتی ایران با اشاره به اینکه مطالبه صنعتگران از دولت، اجرای صریح قانون و همچنین از قوه قضائیه و مجلس شورای اسلامی، نظارت بر اجرای صحیح قانون است، افزود: ماده ۵۸ قانون برنامه پنجم در قانون برنامه هفتم پیشرفت تسری پیدا کرده است مبنی بر اینکه دستگاه‌های خدمت رسانی می‌بایست آب، برق، گاز و تلفن تولید و صنعت را درب واحدهای صنعتی به‌ویژه در شهرک‌های صنعتی تحویل دهند.

سخنگوی شورای مرکزی صنعتگران شهرک‌های صنعتی ایران ادامه داد: در طی دو سال گذشته تعرفه مصرف برق واحدهای صنعتی توسط وزارت نیرو در قالب یک طرح در کمیته‌ای متشکل از نمایندگان وزارت نیرو و صنعت، معدن و تجارت و همچنین عضو ناظر مجلس شورای اسلامی ارائه می‌شود و هر آنچه مدنظر نماینده وزارت نیرو است در آن کمیته مصوب و تبدیل به دستورالعمل و سپس قانون می‌شود یعنی یک‌ریال راده تومان یا صد تومان از صنعتگر مطالبه می‌کنند. وی با اشاره به اینکه وقتی می‌گوییم صنعت برق یعنی صنعتی که تولیدکننده برق است چرا باید هزینه سوخت نیروگاهی را برخلاف قانون برنامه پنجم پیشرفت از صنعتگران دریافت کنند، افزود: بر اساس ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب وکار هرگاه دولت تصمیمی بگیرد باید قبل از آن زمینه‌ان اطلاع داده شود چرا زمانی که وزارت نیرو تعرفه برق صنایع را محاسبه می‌کند هیچ نشتی برای توجیه و توضیح افزایش تعرفه با صنعتگران برگزار نمی‌کند که نتیجه‌آن مواجه شدن واحدهای صنعتی با قیوض سنگین برق و تعرفه‌های نامعقول است. به گفته هاشمی کمیته نمایندگان وزارت نیرو، صمت و عضو ناظر مجلس می‌بایست در اسفندماه هر سال تعرفه برق را محاسبه و تصویب کنند سپس در فروردین ماه به صنعتگران ابلاغ کنند، اما این ابلاغیه در آبان ماه به واحدهای صنعتی اعلام شده است. بر این اساس تولیدکننده‌ای که قیمت تمام‌شده کالای تولیدی خود را بر طبق هزینه‌های سال گذشته محاسبه و کالایش را فروخته است نمی‌تواند در شرایط هزینه اضافی برق در دفاتر مالی سال گذشته‌اش اعمال کند.

وی با اشاره به اینکه چرا باید برخلاف قانون ۱۵۸ برنامه پنجم (به دولت اجازه داده می‌شود در قالب بودجه‌های ستوانی کمک‌های لازم به شهرک‌ها و نواحی صنعتی دولتی و غیردولتی به‌ویژه در امور تامین راه، آب، برق، گاز و تلفن تا ورودی واحدهای مستقر در این شهرک‌ها در مناطق انجام دهد) عمل شود، گفت: ماده ۲۴ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار (ادارات حق ندارند با تغییر ناگهانی مقررات و رویه‌های اداری، فعالان اقتصادی را غافلگیر کنند) نقض شده است و همچنین ماده ۲۵ همین قانون می‌گوید زمانی که کشور با کمبود انرژی

مواجه شده است تولید و صنعت کشور نباید در اولویت قطعی برق باشند.

به گفته سخنگوی شورای مرکزی صنعتگران شهرک‌های صنعتی ایران، تبصره ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار می‌گوید دستگاه‌هایی که نتوانسته‌اند به واحدهای صنعتی خدمت‌رسانی کنند باید جبران خسارت کنند؛ از سال ۱۳۹۶ قطعی برق واحدهای صنعتی آغاز شده و هر سال در مقایسه با سال بعد، خاموشی‌ها بیشتر شده است به طوری که ۵۲ ساعت قطعی برق در هفته برای صنایع اتفاق افتاده است و همین امر موجب آسیب رسیدن به ماشین‌آلات و مواد اولیه تولید شده است همچنین بیکاری کارگران و به‌موقع تحویل ندادن سفارشات مشتریان از دیگر زیان‌های صنعتگران به واسطه خاموشی‌هاست. وی با اشاره به اینکه هفته‌ای ۵۲ ساعت برق صنایع قطع می‌شود، اما هزینه ترانزیت برق به صورت کامل ۳۰روزه از واحدهای تولیدی دریافت می‌شود، افزود: بر اساس آمار وزارت نیرو ۳۳ درصد از تولید برق توسط صنایع مصرف می‌شود چرا باید ۹۰ درصد مدیریت مصرف را صنعتگران باشد تا ترک فعل‌هایی که در صنعت برق اتفاق افتاده است را جبران کند.

ثبت بیشترین رشد تورم تولیدکننده در آمریکا در سه و نیم سال اخیر

قیمت‌های تولیدکننده در آمریکا در ماه مه با رشد ماهانه ۱/۱ درصدی، بیشترین جهش را از نوامبر ۲۰۲۲ ثبت کرد. به گزارش خبرگزاری استیمپ به نقل از رویترز، قیمت‌های تولیدکننده در آمریکا در ماه مه بیش از انتظار افزایش یافت و با رشد ماهانه ۱/۱ درصدی و رشد سالانه ۶/۵ درصدی، بزرگ‌ترین جهش را از نوامبر ۲۰۲۲ ثبت کرد. این افزایش عمدتاً ناشی از رشد ۲/۸ درصدی قیمت کالاها، به‌ویژه محصولات انرژی بود که نزدیک به ۸۰ درصد از رشد شاخص قیمت تولیدکننده (PPI) را تشکیل داد. قیمت انرژی به تنهایی ۱۰/۷ درصد جهش یافته و بنزین با افزایش ۳/۴ درصدی پشت‌از پشته بوده است.

این گزارش که در روز پنجشنبه توسط وزارت کار آمریکا منتشر شد، شواهد بیشتری از تشدید فشارهای تورمی ارائه داد و انتظارات را تقویت نمود که فدرال رزرو نرخ بهره را برای مدت طولانی تری، احتمالاً تا سال ۲۰۲۷، بدون تغییر نگه دارد. اقتصاددان‌ها بر اساس این داده‌ها، برآوردهای خود از تورم شاخص هزینه‌های مصرف شخصی (PCE) یعنی معیار اصلی فدرال رزرو، را ارتقا دادند و پیش‌بینی می‌کنند تورم سالانه PCE در ماه مه به ۴/۱ درصد رسیده باشد.

جان رآی، مشاور ارشد اقتصادی در برین کپیتال، گفت: «فدرال رزرو به وضوح هدف تورمی خود را بسیار بیشتر از هدف اشتغال خود از دست داده است. گزارش PPI باید آن دسته از اعضای کمیته بازار آزاد فدرال را که فکر می‌کنند افزایش نرخ بهره بهره‌مکن است در اواخر سال لازم باشد، بیشتر تشویق کند.» درگیری در خاورمیانه که اکنون در ماه چهارم خود قرار دارد، نه تنها قیمت‌های انرژی را افزایش داده، بلکه زنجیره‌های تأمین جهانی را با محدودیت کشتیرانی در تنگه هرمز تحت فشار قرار داده و باعث کمبود طیف وسیعی از کالاها از جمله کودهای شیمیایی، آلومینیوم و محصولات مصرفی شده است. با حذف انرژی و مواد غذایی، قیمت کالاها ۰/۸ درصد افزایش یافته که بزرگ‌ترین رشد از آوریل ۲۰۲۲ بوده است. همچنین شاخص PPI هسته‌ای که خدمات تجاری را حذف می‌کند، با شتاب ۰/۸ درصدی رشد کرده است. از سوی دیگر، گزارش جداگانه‌ای از وزارت کار نشان داد که درخواست‌های اولیه برای مزایای بیکاری با افزایش جزئی به ۲۲۹ هزار مورد فصلی رسیده است. این در حالی است که اقتصاد آمریکا در ماه مه سومین‌امه متوالی رشد قوی اشتغال را ثبت کرده است.



بحران در بازار مرغ؛

خروج اجباری تولیدکنندگان با فقدان توجیه اقتصادی

گزارش

داریوش باباوند کارشناس اقتصادی با بیان اینکه افزایش قیمت مرغ را نمی‌توان تنها به جنگ یا کاهش تمایل مرغداران به جوجه‌ریزی نسبت داد، گفت: جهش هزینه نهاده پس از تغییر سیاست ارزی، افت قدرت خرید خانواده‌ها، کاهش تقاضای مؤثر و زیان سنگین تولیدکنندگان، سرمایه‌در گردش مرغداران را به شدت تضعیف کرده است. در وضع موجود، فعالان این صنعت با سه اهرم فشار زیان انباشته، دان ۹۵ هزار تومانی و جوجه ۱۳۰ هزار تومانی مواجهند که به دلیل فقدان توجیه اقتصادی، به خروج اجباری آن‌ها از خرجه تولید انجامیده است. فرآیندی که افت ملموس آمارهای جوجه‌ریزی اسفند ۱۴۰۴ و فروردین ۱۴۰۵ مؤید آن است.

ارزیابی زنجیره تولید و توزیع گوشت مرغ در کشور حاکی از آن است که چالش‌های فعلی این بازار، بیش از آنکه متأثر از عوامل برون‌زا و تنش‌های منطقه‌ای باشد، ریشه در پیامدهای انباشته‌شده حذف ارز ترجیحی و نیمایی دارد. در این راستا

معمای تأمین منابع کالابرگ؛

مالیات یا بازگشت دوباره به صندوق توسعه ملی؟

تیم اقتصادی دولت روی بیش از ۱۰گزینه برای افزایش اعتبار کالابرگ متمرکز شده است. در حالی که دولت به دنبال تقویت حمایت‌های معیشتی و افزایش اعتبار کالابرگ الکترونیکی برای ۶ دهک کم‌درآمد است، پرسش اصلی همچنان بدون پاسخ قطعی باقی مانده است: منابع مالی اجرای این سیاست از کجا تأمین خواهد شد؟ اگرچه ماده ۶۷ قانون بودجه ۱۴۰۵ مسیر مشخصی برای تأمین منابع کالابرگ از محل مازاد درآمد ناشی از فروش مازاد ارز، به واردکنندگان کالاها یا اساسی تعیین کرده، اما محاسبات نشان می‌دهد حتی برای تدوام پرداخت کالابرگ یک میلیون تومانی به جمعیت حدود ۸۳ میلیون نفری کشور نیز کسری منابع وجود دارد؛ مسئله‌ای که احتمال استفاده دوباره از منابع صندوق توسعه ملی را به یکی از مهم‌ترین ابهامات اقتصادی ماه‌های پیش رو تبدیل کرده است.

افزایش کالابرگ در دستور کار دولت؛ اما شرط رئیس‌جمهور تأمین منابع پایدار است

اخیراً رئیس‌جمهور از ضرورت افزایش اعتبار کالابرگ برای دهک‌های پایین جامعه سخن گفته و اعلام کرده است که میزان حمایت از دهک نخست درآمدی باید بیش از رقم فعلی افزایش پیدا کند. هرچند هنوز رقم نهایی این افزایش اعلام نشده، اما نکته قابل توجه تأکید دولت بر تأمین منابع پایدار برای اجرای این تصمیم است. این تأکید از آن جهت اهمیت دارد که اجرای سیاست‌های حمایتی گسترده بدون پشتوانه مالی مطمئن می‌تواند به افزایش کسری بودجه، رشد پایه پولی و در نهایت فشارهای تورمی منجر شود. از این رو، دولت تلاش دارد پیش از اعلام نهایی افزایش اعتبار کالابرگ، محل تأمین منابع آن را مشخص کند.

با این حال، برآوردها نشان می‌دهد حتی در شرایط فعلی نیز تأمین اعتبار لازم برای پرداخت کالابرگ یک میلیون تومانی با چالش مواجه است. به عبارتی، افزایش سقف اعتبار کالابرگ بدون تعیین منبع جدید، شفاف مالی این طرح را عمیق‌تر خواهد کرد.

گزینه‌های روی میز سازمان برنامه؛ آیا مالیات بر ارزش افزوده یکی از گزینه‌ها است؟ در شرایطی که ابهامات درباره منابع مالی کالابرگ افزایش یافته، این پرسش از سوی خبرنگار نسیم‌از حمید پورمحمدی، رئیس سازمان برنامه و بودجه، مطرح شد که با توجه به تأکید رئیس‌جمهور بر استفاده از منابع پایدار، آیا یکی از گزینه‌های تأمین مالی، درآمد‌های ناشی از مالیات بر ارزش افزوده خواهد بود؟

پورمحمدی در پاسخ، بدون اشاره مستقیم به یک منبع مشخص، اعلام کرد که حمایت از معیشت مردم یکی از مطالبات روزانه رئیس‌جمهور از تیم اقتصادی دولت است و تأکید شده منابع موردنیاز این حمایت‌ها از مسیرهای



بحران اجباری تولیدکنندگان با فقدان

داریوش باباوند کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با مسیر اقتصاد گفت: در اردیبهشت‌ماه سال ۱۴۰۴، گمانه‌زمانی‌هایی مبنی بر رسیدن قیمت گوشت مرغ به مرز ۱۰۰ هزار تومان تا پایان سال مطرح شد. در همان مقطع، با تکیه بر تحلیل‌های ساختاری پیش‌بینی می‌شد که با توجه به شرایط حاکم بر بازار، قیمت این کالا حتی از مرز ۱۳۵ هزار تومان نیز فراتر خواهد رفت و حفظ قیمت مرغ زنده در محدوده ۱۰۰ هزار تومان نیز میسر نخواهد بود.

آدرس غلط برای گرانی مرغ؛ تنش‌های نظامی یا سوءمدیریت ساختاری؟ وی ادامه داد: مبنای این استدلال، بررسی پیامدهای ناشی از حذف ارز نیمایی بود؛ چراکه ارزیابی‌ها نشان می‌داد تبعات این اقدام، مشابه با شوک حاصل از حذف ارز ترجیحی، به‌طور مستقیم گل زنجیره تولید را تحت تأثیر قرار خواهد داد. در حال حاضر شواهد بازار تأیید می‌کند که روند تحولات دقیقاً منطبق بر پیش‌بینی‌های یادشده پیش‌رفته است.

باباوند افزود: با حذف ارز ترجیحی و هم‌زمانی آن با نوسانات شدید بازار ارز و اختلال در تامین نهاده‌های دامی، شوک ثانویه‌ای می‌کنند؛ رویکردی که با واکنش

به این صنعت وارد شد. در همان بازه زمانی، شاهد ثبت رکورد بی‌سابقه جوجه‌ریزی به میزان ۱۷۳ میلیون قطعه بودیم. فرآیندی که با کاهش‌تضعیفی (دامپینگ)

قیمت جوجه، وعده تأمین نهاده و عدم شفافیت در آمارهای واقعی همراه بود. در ادامه و در پایین‌همان سال، با توقف انتشار آمارهای رسمی جوجه‌ریزی، عملاً امکان رصد دقیق تولید سلب گردید.

این کارشناس اقتصادی اظهار داشت: ارزیابی‌ها نشان می‌دهد هدف غایی از این سیاست‌ها، افزایش قیمت نهاده‌ها و ایجاد زیرساخت لازم برای جهش نرخ ارز بوده است. اما مسئولان با سلب مسئولیت از خود، تنش‌های نظامی را عامل گرانی و کاهش تولید معرفی می‌کنند؛ رویکردی که با واکنش

منطقی و قابل اتکا تأمین شود. رئیس سازمان برنامه و بودجه توضیح داد که در جلسه‌ای مشترک با اعضای تیم اقتصادی دولت، از جمله وزیر اقتصاد و دیگر مسئولان مرتبط، راهکارهای مختلف تأمین منابع بررسی شده و تاکنون بیش از ۱۰ گزینه پیشنهاد متفاوت برای ایجاد منابع پایدار مطرح شده است؛ پیشنهادهایی که تلاش شده کمترین آسیب را به اقتصاد و معیشت عمومی مردم وارد کنند. این اظهارات در عمل نشان می‌دهد که هنوز تصمیم نهایی درباره محل تأمین منابع کالابرگ اتخاذ نشده و گزینه‌هایی از جمله اصلاح برخی درآمد‌های مالیاتی، جابه‌جایی هزینه‌ها یا استفاده از سایر ظرفیت‌های درآمدی همچنان در مرحله بررسی قرار دارند.

قانون بودجه چه می‌گوید؟ منابع کالابرگ باید از محل ماه‌های متفاوت ارز کالاها یا اساسی تأمین شود

یکی از نکات مهم در بحث تأمین منابع کالابرگ آن است که قانون بودجه سال ۱۴۰۵ مسیری مشخصی را برای این موضوع پیش‌بینی کرده است. بر اساس تبصره ۳ ذیل ماده ۶۷ قانون مربوط به الزامات بودجه ۱۴۰۵، مقرر شده بودمنابع حاصل از مازاد درآمد ناشی از فروش ارز به واردکنندگان کالاها یا اساسی (ماه‌های متفاوت تا ۲۸ هزار ۵۰۰ تومان تا نرخ فعلی نرخ حواله ارز که هم‌اکنون ۱۴۸ هزار تومان است)، به تأمین اعتبار طرح کالابرگ اختصاص پیدا کند. درواقع فلسفه این حکم آن بود که بخشی از منابع حاصل از تفاوت نرخ از تخصیصی، به جای ورود به مصارف عمومی بودجه، به صورت مستقیم به حمایت معیشتی خانوارها بازگردد. اما اکنون پرسش اصلی این است که آیا این منابع به اندازه‌ای بوده که بتواند هزینه اجرای کامل طرح را پوشش

صریح تشکیل‌های صنعتی مواجه شده و آن‌ها سوءمدیریت ساختاری را عامل اصلی چالش‌های موجود می‌دانند.

سقوط ۷۵ درصدی نقدینگی تولیدکنندگان مرغ در سال ۱۴۰۴ وی با اشاره به جوجه‌ریزی مازاد ۲۳ میلیون قطعه‌ای در آذر ۱۴۰۴ اظهار داشت: تراز منفی این حجم در دی و بهمن، منجر به افزایش وزن گله، افت بهره‌وری و طولانی شدن دوره پرورش شد. در نهایت نیز اعمال الزامات تعزیری و تنظیم بازاری در ایام ماه رمضان، تولیدکنندگان را مکلف به عرضه اجباری محصول با زبانی چشمگیر نمود. برآوردها نشان می‌دهد افزایش وزن گله‌ها، زبانی بالغ بر ۵۰ هزار تومان به‌ازای هر کیلوگرم به مرغداران تحمیل کرد که نتیجه آن، اتلاف بیش از ۷۵ درصد از سرمایه در گردش تولیدکنندگان بود. در این وضعیت، فعالان این صنف هم‌زمان با چالش جریان زیان انباشته، ملزم به تأمین منابع مالی برای تهیه نهاده‌هایی شدند که نرخ آن‌ها به تبع حذف ارز ترجیحی و افزایش دستوری ارز در مرکز مبادله، جهش یافته بود. علاوه بر این، طرح‌های موسوم به «تامین نقدینگی» در عمل به ابزاری برای فروش اعتباری و غیرمتعارف نهاده‌ها تبدیل شد و نتوانست سرمایه در گردش موردنیاز را با نرخ سود متعارف بانکی تأمین کند. شبکه بانکی نیز با تنظیم کارمزدها به نفع خود، از ایفای نقش واسطه‌گر مالی در این بحران امتناع ورزید.

پیامدهای غیراوقعی به‌زودی در سطح بازار مرغ عیان می‌شود در وضع کنونی، فعالان صنعت طیور با سه اهرم فشار مالی هم‌زمان مواجه هستند. بدهی ناشی از زیان انباشته، افزایش قیمت نهاده‌دان ۹۵ هزار تومان، و جهش قیمت جوجه به نزدیک ۱۳۰ هزار تومان. در چنین بستری، تدوام یا توقف فعالیت واحدهای تولیدی دیگر یک تصمیم ارادی از سوی مرغداران محسوب نمی‌شود؛ بلکه مسئله اصلی، سلب امکان استمرار فعالیت به دلیل فقدان توجیه اقتصادی و در نتیجه، خروج اجباری و ناخواسته از خرجهٔ تولید است. پیامدهای عینی این فرآیند فرس آورنده، هم‌اکنون در افت ملموس آمارهای جوجه‌ریزی اسفندماه ۱۴۰۴ و فروردین‌ماه ۱۴۰۵ به‌وضوح قابل مشاهده و ارزیابی است.

در اردیبهشت ۱۴۰۵ نیز، برخلاف آمار رسمی جوجه‌ریزی که به شدت محل تشکیک است، برآوردهای میدانی از مازاد ۲۰ تا ۲۵ درصدی نسبت به توان واقعی و راستی‌آزمایی استانی حکایت دارد. البته بخشی از این کمبود عرضه، به واسطه عید قربان، تأمین گوشت قرمز برای خانوار، و توزیع مرغ منجمد استوار شد.

وی در پایان با هشدار به نهادهای تصمیم‌گیر گفت: در یک بازه چهل‌روزه، پیامدهای آمارهای غیراوقعی در سطح عرضه عیان خواهد شد و مصرف‌کنندگان، عدم انطباق آمارهای رسمی با واقعیت بازار را در قالب کمبود ملموس کالا مشاهده خواهند کرد.

روندی که بررسی‌های شاخص‌های مالی بازار نشان می‌دهد این پیش‌بینی کارشناسی، امروز بیش از هر زمان دیگری به واقعیت عینی زنجیره تأمین و توزیع نزدیک شده است.

پیامدهای گرانی دوباره لبنیات

شیر ۸۴ هزار تومانی و ماست ۲۳۰ هزار تومانی؛ این دستاورد کارگروهی است که نام امنیت غذایی مردم، «را یک می‌کشد. مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی می‌گوید، گرانی دوباره شیر خام و لبنیات کاهش مصرف را در پی دارد.

نرخ مصوب جدید ۴ قم محصول لبنی تنظیم بازاری در هفته اخیر ابراج شد. بر اساس این مصوبه جدید، قیمت هر کیلوگرم شیر خام در یک کارخانه ۶۰ هزار و ۵۰۰ تومان تعیین شده است. همچنین نرخ هر عدد شیرنایولنی ۹۰۰ گرمی ۱۰۵۵۰ درصد چربی ۸۴ هزار تومان، شیربظری ۱۰۰۰ گرمی ۱۰۵۵۰ درصد چربی ۹۸ هزار تومان، پنیر ۴۰۰ UF گرمی ۱۰۵۵۰ درصد چربی ۲۰۲ هزار تومان و ماست دبه‌ای دو کیلوگرمی ۱۰۵۵۰ درصد چربی ۲۲۸ هزار و ۷۰۰ تومان تعیین شده است. البته این دومین گرانی قیمت شیر خام و محصولات لبنی در سال جاری است. به نظرمی‌رسد کارگروه تنظیم بازار، به جای مهار تورم، به سیگنال دهنده گرانی محصولات تبدیل شده است؛ مسیری که خروجی آن نه امنیت غذایی، بلکه سقوط آزاد سرانه مصرف لبنیات در ایران به زیراستانداردهای جهانی است.

شاید تذکران این موضوع حالی از لطف نیست که لبنیات منبع اصلی کلسیم و پروتئین است؛ ولی وقتی قیمت ماست دبه‌ای به ۲۲۸ هزار تومان و قیمت شیر به ۸۴ هزار تومان می‌رسد، سرانه مصرف لبنیات در ایران که پیش از این هم یک‌سوم میانگین جهانی بود، باز هم سقوط می‌کند. از طرف دیگر، هزینه‌ای که دولت امروز با حذف یارانه‌ها در بخش تولید صرفه‌جویی می‌کند، در چند سال آینده باید چندین برابر آن را صرف درمان بیماری‌های ناشی از کاهش مصرف محصولات لبنی در بیمارستان‌ها کند.

علی احسان ظفری، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی در گفت‌وگو با ایلنا و در پاسخ به این سؤال که قیمت لبنیات پس از افزایش قیمت شیر خام دوباره گران شده، این گرانی چه تأثیری بر سرانه مصرف لبنیات در جامعه دارد؟ گفت: مسلماً هر افزایش قیمتی حتماد در مقابلش، کاهش مصرف است و هیچ شکی در این نیست.

وی افزود: جامعه ما به تدریج دارد به دلیل گرانی لبنیات، مصرف آن را کنار می‌گذارد. دولت هم موضوع را می‌داند، ولی دست روی سر گذاشته است. مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی در مورد دست‌مصرف لبنیات در کشور گفت: سرانه مصرف لبنیات به‌ازای هر فرد در سال ۱۱۴۰۵، ۵۴۰ تا ۶۰۰ کیلوگرم بود، ولی در حال حاضر به زیر ۲۰ کیلوگرم رسیده است، یعنی یک ایرانی در طول یک سال کمتر از ۴۰ کیلوگرم به‌طور میانگین لبنیات مصرف می‌کند، در صورتی که سرانه مصرف لبنیات در کشورهای جهان سالی ۱۸۰ کیلوگرم و در کشورهای پیشرفته سالی ۳۶۰ کیلوگرم است.

ظفری ادامه داد: سرانه مصرف لبنیات در ایران با هیچ جای دنیا و حتی با کشورهای آفریقایی هم همخوانی ندارد و این بدترین آسیب را به نسل آینده کشور خواهد زد. مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های لبنی با اشاره به بی‌توجهی دولت به سلامت مردم، گفت: دولت باید هزینه‌هایی را بابت سلامت جامعه می‌داد ولی دولت هم امروز کاری ندارد و فقط مبالغت از تولید دریافت می‌کند. ظفری افزود: دولت برای افزایش سرانه مصرف لبنیات در جامعه حتماً باید یارانه مستقیم به تولیدکننده بدهد، نه کالابرگ، زیرا مردم کالابرگ را برای خرید لبنیات استفاده نمی‌کنند.